

جایگاه اخلاق کاربردی (حرفه‌ای) در رشد و ارتقاء مدیریت

دکتر رضا فرامرزنسب^۱. زهرا احمدی^۲. کاظم رحیمی^۳

۱. دکتری الهیات و معارف اسلامی و تاریخ و تمدن اسلامی. مدرس دانشگاه فرهنگیان شیراز. ایران

۳. کارشناس ارشد ادبیات فارسی. دبیر آموزش و پرورش شهرستان همدان. ایران

۳. کارشناس ارشد مدیریت اجراء‌ی شهید داری خوزی. ایران

چکیده

اخلاق کاربردی یا حرفه‌ای از شاخه‌های اخلاق است که امروزه از آن بسیار سخن گفته می‌شود. اخلاق دانشجویی، اخلاق نقد، اخلاق ورزشی، اخلاق پژوهشی و اخلاق تجارت، اخلاق نقد، اخلاق پژوهش و غیره. اخلاق مدیریت هم یکی از انواع اخلاق‌های کاربردی است که کاربرد آن در مدیریت می‌باشد. اخلاق کاربردی نیمه پنهان علم مدیریت است که به رشد و موفقیت یک مدیر کمک زیادی می‌کند. اخلاق حرفه‌ای مدیران باعث موفقیت زیرمجموعه مدیریتی آنها می‌گردد و آنها را برای رسیدن به هدف جهت ارتقاء سازمان و مجموعه تحت مدیریتشان یاری می‌نماید.

در این پژوهش هدف آن است که با روش توصیفی- تحلیلی با تاکید بر منابع اسلامی قرآن و سنت صفات اخلاق حرفه‌ای مدیران در مدیریت و چگونگی رشد و ارتقاء و موفقیت مجموعه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، مدیریت، اخلاق، کاربردی، فضایل، رذائل.

مقدمه:

اخلاق به مجموعه رفتارهای اخلاقی گفته می‌شود که انسان باید درون خود پرورش دهد و به مرحله عمل درآورد. هر فردی دارای اخلاق و روحیات خاصی می‌باشد. خوش خلقی در اصطلاح علم اخلاق عبادت است و عبارت است از ملکه نفسانی که شامل فضایل اخلاقی مانند عفت، صبر و شجاعت و صداقت یا شامل رذایل اخلاقی می‌گردد مانند ترس، غصب، کینه و بخل در مدیریت از علوم بسیار مهمی است که در هر سازمان و گروه و جمعی ارزشمند و مهم است علم مدیریت تخصص است که مدیر باید آنها را وارد گردد. یک مدیر گروه علاوه بر تخصص مدیریتی باید صفات اخلاقی مدیریت نیز دارا گردد تا بهتر بتواند کارهای مدیریتی را انجام دهد.

سوالی که در این تحقیق به آن پاسخ داده می‌شود این است که جایگاه اخلاق در رشد و ارتقاء مدیریت چیست؟

اخلاق مدیریت

یکی از شاخه‌های علم اخلاق، اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی به بررسی علم اخلاق در حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان در مباحث تخصصی می‌پردازد. اخلاق کاربردی به دنبال آن است که کاربرد و به کارگیری منظم و منطقی نظریه‌های اخلاقی را در حوزه مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. مانند اخلاق، مدیریت، اخلاق دانش اندوزی، اخلاق زمامداری و سیاست، اخلاق جنسی، اخلاق پزشکی، اخلاق محیط زیست. (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۹)

مدیریت به عنوان یک علم در میان سایر علوم دارای ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد. علم مدیریت که با ساماندهی، نظارت و رهبری و رسیدن به هدف مشخص همراه می‌باشد در جامعه نقش‌هایی مهمی بر عهده دارد.

مدیریت در اسلام دارای نظام اخلاقی و ارزشی خاصی می‌باشد که یک مدیر باید به اخلاق مدیریت توجه داشته باشد و آن را رعایت نماید. نظام اخلاقی اسلام دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که شرح آن

چنین است:

الف: شمول و گستردنگی

ب: انسجام درونی

ج: ذومرات بودن

د: تبیین لذت و سود نامحدود

ه: حسن فعلی و فاعلی

و: قابلیت تبیت عقلانی (مصطفیح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

اخلاق انسانی در مدیریت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. اخلاق مظہر رفتارها و کردارهای فردی یک شخص می‌باشد. مدیر اسلامی باید با اخلاق اسلامی آشناشی کامل داشته باشد تا بتواند مدیریت صحیح اسلامی را به نمایش گذارد.

در مورد تبیین نحوه شکل گیری و بروز رفتار انسانی سه دیدگاه وجود دارد:

الف: مرحله اول بینش

ب: مرحله دوم گرایش مناسب با بینش

ج: مرحله سوم عمل. (علی احمدی، ۱۳۸۱: ۱۰)

انسان خدامحور اگر مدیریت بر عهده داشته باشد قطعاً اخلاق الهی - انسانی را سرلوحه مدیریت خود فرارمی‌دهد. اخلاق در مدیریت نقش محوری دارد. اخلاق مدیریت آن است که یک مدیر گزاره‌های اخلاقی در کارمدیریت را رعایت کند، گزاره‌هایی که اگر رعایت گردد مدیریت مدیر ارزشمندتر و کارآمدتر خواهد بود و او این طریق بهتر و بیشتر می‌تواند به زیرمجموعه خود کمک کند و آنها را بهتر اداره و مدیریت نماید.

هر مدیری باید بر مبنای نظام اخلاقی و ارزشی اسلام، اهداف سازمان خود را انتخاب و آن را اجرایی نماید. در نظام اخلاقی اسلام، انسان، روش‌ها، منابع، نظام اداری دارای مشخصه مخصوص به خود هستند. به عنوان نمونه یکی از مولفه‌های اخلاق اسلامی در مدیریت عدالت محوری یک مدیر است. یک مدیر در نظام مدیریتی خود باید عدالت محور باشد.

نتیجه می‌گیریم که اخلاق اسلامی در مدیریت جایگاه ویژه‌ای دارد و مدیر باید اخلاق اسلامی را بشناسد و آن را در مدیریت خود به کار گیرد. مهمترین نقش که اسلام در نظریه‌ها و روش‌های عملی مدیریت ایفا می‌کند از طریق ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است. (مصطفیح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۸۶)

همان طور که اسلام برای مدیریت مبانی و اصول خاصی بیان می‌دارد، اخلاق اسلامی در مدیریت نیز جایگاه خاصی وجود دارد. اسلام برای مدیران صفات اخلاقی بیان داشته است. مدیران باید فضائل اخلاقی را سرلوحه کارخود قرار دهند و از رذایل اخلاقی نیز پرهیز نمایند.

مبانی مدیریت اسلامی، شامل توحید محوری، نبوت محوری، آخرت گرایی، توجه به عظمت مقام انسان، اصل اختیار و اراده انسانی، اصل تکلیف و مسئولیت پذیری، رسیدن به حیات طیبه، اصل خودکنترلی و نظارت درونی، اصل نظم و انصباط وغیره می‌باشد.

اخلاق اسلامی دارای مبانی خاص می‌باشد که این مبانی در مدیریت کارآمد هم موثر می‌باشد:

الف: هدفمندی جهان

ب: هدفمندی انسان

ج: آثین بندگی انسان

حضرت علی (ع) در روایتی می فرمایند: "رَحْمَ اللَّهُ أَمْرَاً عِلْمَ مِنْ إِنْ؟ وَفِي إِنْ؟ وَالِّي إِنْ؟"

خداآوند رحمت کند کسی که بداند از کجا آمده؟ در کجاست؟ و به کجا می رود؟ (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸۹)

خداآوند برای زندگی انسان اهداف متوسطی بیان داشته است که در آیات قرآن به آنها اشاره نموده است:

۱. آزمایش انسان

در آیه ۷ سوره هود می فرماید: "وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سَتَةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشَهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَلْبُو كُمَّا يَكْمِلُ أَحْسَنَ عَلَمًا"

واوست کسی که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، و عرش او برآب بود، تاییازماید که کدامیک نیکو کارتیرید.

در سوره کهف آیه ۷ می فرماید: "إِنَّا جَعَلْنَا مَاعِلَى الْأَرْضِ زِينَهٗ لَهَا لِنَبْلُوْهُمْ أَيْهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً"

همانا ما آنچه را که بزمین است، زیوری برای آن قراردادیم تا آنان را آزمایش کنیم کدام نیکو کارتیریند.

۲. عبادت کردن انسان

در سوره زاریات آیه ۵۶ می فرماید: "وَمَا خَلَقْتَ الْجِنَّةِ وَالْأَنْسَ الْأَلِيَّعْبُدُونَ."

جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرسند.

در سوره یس آیه ۶۱ می فرماید: "وَإِنَّ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ"

واینکه مرا پرسند، این راه راست است.

۳. برخورداری از رحمت الهی

در سوره هود آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ می فرماید: "وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لِجَعْلِ النَّاسِ أَهْمَّ وَاحِدَهُ وَلَا يَرَوْنَ مُخْلِفِينَ، الْأَمْنَ رَحْمَ رَبِّكَ وَلَذِكَ خَلْقَهُمْ"

و اگر پروردگار تومی خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرارمی داد در حالی که پیوسته در اختلاف

هستند مگر کسانی که پروردگار توبه آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است.

آزمایش انسان، عبادت خداوند و برخورداری انسان از رحمت الهی سه هدف متوسط خلقت انسان است.

خداآوند براساس این سه هدف متوسط یک هدف نهایی از خلقت انسان ها دارد، آن رسیدن به قرب الهی یا کمال الهی می باشد.

امام صادق (ع) می فرماید: بندگی گوهری است که باطن آن پروردگاری است. (داودی، ۱۳۸۸: ۴۴)

اگر انسان مسیر الهی را انتخاب کند و او را عبادت نماید و بتواند از آزمایش های الهی ضمن برخورداری از رحمت الهی سر بلند بیرون آید به تدریج به مسیر کمال طلبی خواهد رفت و می تواند به قرب الهی که هدف

نهایی خداوند است برسد. بندگی خدا عین عزت و سریانی و کمال است. بندگی خالصانه برای خدا باعث می‌گردد که فرد کمال نهایی را طی کند و به قرب الهی برسد. تویندگی چوگدانیان به شرط مزدمکن که دوست خود روش بنده پروری داند

فضایل اخلاقی مدیران

مدیریت اخلاق خاص به خود دارد. یک مدیریت به عنوان یک انسان باید اخلاق مدیریت را رعایت کند تا در کارش در کار تخصص تعهد نیز داشته باشد. مقام اخلاقی مدیر در مدیریت از جایگاه ارزش‌های برخوردار است. پیامبران و ائمه (ع) به عنوان برترین مدیران جامعه همیشه اخلاق مدیریت را رعایت نموده و از این لحاظ برترین ها بوده اند.

۱. خداگرایی و تقوای الهی (ایمان به خدا)

مدیر جامعه باید خداگر و خداجو باشد. مدیر جامعه در مرحله اول برای رعایت اخلاق مدیریت خداگرایی و خداجویی که به صورت فطری در نهاد او می‌باشد به مرحله عمل و فصل درآورد. اگر یک مدیر خدا محور باشد قطعاً به معنویات توجه دارد و در کارهای خود رضای خدا در نظر خواهد داشت. کسی که رضای خدا در نظر داشته باشد قطعاً بهتر می‌تواند برای رضای خلق تلاش نماید. اخلاق مدیریت اقتصامی کند که مدیر جامعه که قصد رهبری و نظارت جامعه را دارد باید محبت و علاقمندی به خدا را در زندگی خود عملاً نمایش گذارد و خود هم در مرحله نظر به آن اعتقاد داشته باشد و هم به صورت عملی آن را اجرایی نماید تا مردم به روش مدیریت او علاقمند و امیدوار باشند.

در سوره توبه آیه ۲۴ خداوند خطاب به انسان‌ها می‌فرماید: که باید پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان و اموالان را بیش از خدا دوست داشته باشید که در ادامه آیه می‌فرماید اگر چنین کنید خداوند گروه فاسقان را دوست ندارد.

در سوره بقره آیه ۶۵ می‌فرماید: برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی برای او انتخاب می‌کنند و آنها را چون خدا دوست می‌دارند ولی اهل ایمان به خدا محبت بیشتری دارند.

مدیر جامعه اسلامی ایمان به خدا دارد و همین ایمان او را به خداگرایی و خداجویی سوق می‌دهد. ایمانش به خدا، تقوای الهی و خداترسی را درون خودش پرورش می‌دهد. او باید تقوای الهی و از لحاظ درون و بیرون خود را برای رضای خداساخته و پرداخته نماید.

برای رسیدن به تقوا و ایمان الهی شرط اولیه آن است که مدیر خدا را شناخته و به یگانگی و توحید او اعتقاد کامل داشته باشد، از هرگونه شرک دوری نماید. برای رسیدن به این امر مهم باید به صورت عملی در کار خود رضای خدا دخالت دهد.

حضرت علی (ع) اولین شرطی که برای اخلاق یک مدیر به مالک اشتر بیان می‌دارد تقوی الهی است. مفهوم تقوای الهی برای این است که مدیر اولاً خود را بی نیاز از خدا نبیند و اگر این اتفاق الهی برای او حاصل شد قطعاً به طغیان می‌انجامد. (سوره علق آیه ۶۷ و ۶) ثانیاً تقوای الهی باعث می‌شود مدیر به مردم ظلم و ستم ننماید و حق آنها را پایمال نکند. زیرا خدا را شاهد و ناظر بر اعمال خود می‌بیند. (شیخ موحد، ۴۷:۱۳۸۰-۴۶)

اخلاق مدیریت اقتضا می‌کند که مدیر برای اینکه مشروعیت داشته باشد اولاً باید تقوا و ایمان الهی داشته باشد و در همه امور خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود بینند.

ثانیاً اطاعت محض و عملی از خدا و فرامین او داشته باشد و این اطاعت همراه با تسليم امر الهی باید باشد و طاعت خدا برای او مقدم باشد.

ثالثاً: در امورات مدیریتی خود فقط باید خدا ترس باشد و رضایت او را در نظر بگیرد و از انسان‌های دیگر هراسی نداشته باشد.

رابعاً: مردم پیرو خود را به خداجویی و خداگرایی سوق دهد و جامعه را خدامحور کند. از انحراف و گمراهی آنان جلوگیری نماید.

حضرت علی (ع) دونامه اش به مالک اشترمی فرماید: مدیر باید با دست و قلب و زبانش خدا را یاری و نصرت دهد زیرا خدا متعهد شد یاری کند، هر کس او را یاری دهد و هر کس او را ارج نهد عزت و ارجمندی اش بخشد.

۲. الگوگرفنن از پیامبران (مدیران برتر جامعه)

خداآنده برای هدایت و رهبری و مدیریت جامعه بشری پیامبران متعددی ارسال و مبعوث نموده است. پیامبران هر کدام به عنوان یک مدیر برتر کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشته اند که این عملکرد مدیریتی بهترین الگو برای مدیران در جامعه می‌باشد.

مدیران اگر به اخلاق مدیران برتر جامعه یعنی پیامبران توجه داشته باشند حتماً در کار مدیریتی خود موفق خواهند بود. پیامبر اسلام (ص) به عنوان یک مدیر تمام و انسان کامل میراثی از خود به یادگار گذاشته است که راهگشای هر مدیری می‌باشد. خداوند در قرآن با تأکید در سوره احزاب آیه ۲۲ رسول الله را به عنوان الگوی کامل مدیریتی معرفی می‌کند و می‌فرماید: "ولقد کان لكم فی رسول الله اسوه حسنة"

وقطعاً برای شما رسول خدا (ص) اسوه حسن و نیکوئی است

در قرآن کریم برای هر کدام از پیامبران الهی می‌توان یک شیوه مدیریتی را مشاهده نمود که با توجه به شرایط، روش‌های خاص انتخاب نموده‌اند. ائمه (ع) هم در دوره سخت امامت خود هر کدام با توجه به زمان و شرایط حاکمان روش مدیریتی دقیق انتخاب نموده‌اند. این روش‌ها و مدل‌های مدیریتی هر کدام دنیائی از تجربه است که راهگشای مدیران در اخلاق محوری می‌باشد.

پیامبران الهی و ائمه (ع) در خدمه‌گری، دنیاگریزی، مردم داری، عبادت، سعه صدر، مدارا، صبر و حوصله.. . . همه و همه الگوهای ارزشمندی هستند که می‌توان از آنها بهره کافی گرفت و برای هدایت جامعه از آن کمک گرفت. مدیران باید روش آنها را در مدیریت خود سرلوحه قرار دهند تا موفقیت را کسب نمایند.

۱.۳ اخلاص در کار

یکی از سفارش‌های مورد تاکید در اخلاق اسلامی اخلاص در کار می‌باشد. انسان مومن یکی از ویژگی‌های اساسی که باید متخلف به آن باشد اخلاص می‌باشد. مدیر باید اخلاص در کارهای خود داشته باشد.

خداآنده در قرآن آیات ۲ و ۳ سوره زمر می‌فرماید: "فَاعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصًا لِّهِ الدِّينِ. إِنَّ اللَّهَ الدِّينَ الْخَالِصُ " پس خدا را خالصانه پرستش کن و دین را برای او خالص گردان. آگاه باشید آئین پاک از آن خداست. خداوند در این آیه به رسول خدا (ص) به عنوان مدیربرتر جامعه اسلامی خطاب می‌کند که در کارهای خود فقط اخلاص برای خدا داشته باش. اخلاص در کار خداوند به سایر پیامبران که مدیران برتر او هستند نیز سفارش اکید نموده است.

در سوره مریم آیه ۵۱ خطاب به حضرت موسی (ع) که به عنوان پیامبر یکی از مدیران برتر الهی بود یاد می‌کند و او را با اخلاص معرفی می‌کند و می‌فرماید: "إِذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نِّيَّابًا" و در این کتاب از موسی یاد کن زیرا که او پاکیل و فرستاده‌ای پیامبر بود.

در سوره یوسف آیه ۲۴ از حضرت یوسف (ع) به عنوان بندگان مخصوص یاد می‌کند. در سوره مون آیه ۱۴ از پیامبران هم می‌خواهد که کارهای خود خالصانه برای خدا انجام دهن. اخلاص چنین تعریف می‌شود: عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پاک کردن نیت از غیر خدا و هر عبادتی که قصد در آن برای رضای خدا نباشد از اخلاص عاری است. (نزاقی، ۱۳۵۱: ۴۸۶) اگر مدیران در کارهای خود خالصانه برای رضای خدا کار انجام دهند گرفتار بیراهه نمی‌شوند و ضریب موفقیت کاری خود را بالا خواهند برد و در صد موفقیت آنها بیشتر می‌گردد وهم خود راضی خواهند بود و هم خلق خدا؛ زیرا کار برای رضای خداست.

۴. اعتدال و میانه روی

مدیر جامعه حتماً در برنامه های خود باید اعتدال داشته باشد. اعتدال در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۴۳ مسلمانان را به اعتدال دعوت می کند و آنها را امتنی میانه و الگو برای دیگران معرفی می نماید. می فرماید: بدین گونه شما را امتنی میانه قرار دادیم تا بمردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

امام علی (ع) می فرماید: میانه روی، ثروتمندی است و اسراف نیازمندی و فقر. (کلینی، ۱۳۶۵ : ۵۳۱/۴) اعتدال، حدود سطح و میانه هر چیزی است. علمای اخلاق عقیده دارند که هر کاری دوحده نهایی دارد. افراط و تفریط. اعتدال و میانه روی حد میانه افراط و تفریط است. مثلاً در غذا خوردن پرخوری افراط است و کم خوری تفریط است.

در مدیریت، مدیر باید روش اخلاقی اعتدال را رعایت نماید. به گونه ای رفتارهای خود انجام دهد که دچار افراط و تفریط نگردد. اگر دچار افراط و تفریط گردد از هردو سو ضرر به سازمان و جامعه تحت مدیریت خواهد زد.

حضرت علی (ع) درنامه خود به مالک اشتر درمورد رعایت اعتدال و میانه روی می فرماید: اگر عدالت و انصاف به خرج ندهید حتماً ستم و ظلم روا داشته ای و اگر کسی به بندگان ظلم کند خداوند دشمن او خواهد بود. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

مدیر جامعه اگر اخلاق اعتدالی دارد کار خود رعایت کند؛ اولاً به آرامش درونی می رسد ثانیاً مرتكب گناهان و خلافها نمی شود. ثالثاً نیازمند دیگران نخواهد شد. برای اینکه مدیر به صفت اخلاقی اعتدال و میانه روی برسد باید بینش صحیح نسبت به موضوع کار خود داشته باشد و برای این کار تکرار و تمرین داشته و گرایش های خود مهار نماید؛ اگر چنین کند حتماً موقفيت بدست خواهد آورد.

۵. عدالت ورزی

یکی از صفات و فضایلی که هر انسانی باید به آن متخلق گردد، صفت عدالت است. در قرآن به عدل توجه ویژه دارد و از آن سخن گفته است و در موارد متعدد افراد مونم و جامعه را به عدالت دعوت نموده است. (آیات ۱۸ آل عمران - ۷ الرحمن)

شهید مطهری عقیده دارد که عدالت از اهداف حکومت اسلامی است که باید توسط مدیران رعایت واجرا گردد. عدالت اجتماعی در سطح جامعه و عدالت سازمانی از مباحث مدیریت در اسلام است. (مطهری، ۵۹: ۱۳۷۴)

شهید مطهری معتقد است که عدل مفهومی فرآگیراست و همه امور اسلامی را شامل می‌گردد. امور فردی تا اجتماعی، قضایی، سیاسی و خانوادگی. عدل وقتی که مربوط به امامت و رهبری است یک شایستگی است وقتی که پای اخلاق به میان می‌اید، آرمانی انسانی است و وقتی که وارد اجتماع می‌شود یک مسئولیت می‌باشد. (همان: ۶۱)

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: عدالت هرچیزی را در جای خود قرار می‌دهد. (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۶)

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر یکی از مدیران ارشدش می‌نویسد: خودت و خاندان و نزدیکات همگی موظف به رعایت عدل و انصاف هستید. رعایت عدالت را در دو مورد ضروری می‌داند. یکی در مورد خداوند و دیگری نسبت به عموم مردم. اگر این موارد رعایت نکنی حتماً ستم و ظلم روا داشته‌ای. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

حضرت علی(ع) عدالت را در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی... می‌داند، که مدیر باید در همه حوزه‌ها عدالت و انصاف را رعایت کند اگر رعایت عدالت نکند دچار ظلم و ستم می‌گردد که باعث ایجاد معضلاتی برای جامعه می‌شود و در اداره سازمان مدیریتی خود دچار مشکل می‌گردد.
پیامبران که مدیران برتر و برگزیده خدا برای هدایت و رهبری جامعه بودند یکی از اهداف مدیریتی خود در جامعه برقراری عدالت اجتماعی اعلام می‌کردند. خداوند به آنها اعلام می‌دارد که کتاب و میزان در اختیارشان قراردادیم تا به کمک مردم قسط و عدل را برقرارسازند. (لیقوم الناس بالقصط)

۶. سعه صدر (شرح صدر)

یکی از صفات بسیار ارزشمندی که مدیر جامعه از نظر اخلاقی باید آن را رعایت کند، شرح صدر یا سعه صدر می‌باشد. در قرآن در سوره انتصاف آیه یک می‌فرماید: *اللَّهُ الرَّبِّ الْمَسِيءُ لِكُلِّ صَدْرٍ* آیا سینه ات را گشاده نکردیم.

یکی از دعاهای حضرت موسی(ع) وقتی که به پیامبری رسید، شرح صدر بود در سوره طه آیه ۲۵ می‌فرماید: "رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي" پروردگار سینه ام را برایم گشاده گردن.

در روایات شرح صدر مورد تأکید واقع شده است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: "آله الریاسته سعه الصدر" ابزار ریاست سعه صدر است. (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۷)

در سخنی دیگر امام علی(ع) می‌فرماید: پیشوای هر قومی نیازمند آن است که دلی دانا و زبانی گویا و جانی توانا و یورش برنده برای به پاداش حق داشته باشد. (غزال‌الحكم: ۸۷۳)

امام رضا (ع) می فرماید: همانا که چون خدا بنده ای را برای اداره امور بندگانش برگزیند، سینه اش را بدان جهت گشاده می گرداند. (کلینی، بی تا: ۱۸۰/۱)

شرح صدر آن است که آستانه تحمل مدیر بالا باشد و بتواند مشکلات و سختی کاروراه و مسیرش را تحمل نماید. با وجود این تعریف از شرح صدر می توان فهمید که یکی از ابزارهای اساسی اخلاق مدیریت همین موضوع است.

شرح صدر در مدیریت آثاری بر جای می گذارد:

الف: اعانت و نصرت

ب: جذب و حذف

ج: رفع اختلاف

د: ایجاد وحدت

ه: حق پذیری

و: بلند همتی

ز: خستگی ناپذیری (وانقی، ۱۳۷۵: ۱۵۰-۱۸۰)

مدیران باید تمرین و تکرار شرح صدر داشته باشند و با علم و آگاهی والگو نمائی کارهای مدیریتی خود را انجام دهند. مدیر باید آستانه تحمل خود را بالا ببرد و بتوان فرازونشیب های مختلف را تحمل نماید.

۷. پرهیز از شتابزدگی

از صفات اخلاقی که مدیران باید به آن توجه کنند و خود را متخلق به آن نمایند، پرهیز از شتابزدگی می باشد. شتاب زدگی و عجله در هر کاری نکوهیده است و مورد قبول نمی باشد در مدیریت عجله و شتاب زدگی جایی ندارد زیرا آثار منفی از خود به یادگار خواهد گذاشت.

امام علی (ع) می فرماید: "ایاک و العجله بالامر قبل او انها". (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

ای مالک! بترس از شتابزدگی در کارها پیش از آنکه زمانش فرا رسد.

در روایت آمده است: شتابزدگی را واگذارید زیرا شتابکار خواسته اش بدست نمی آید و پایان کارش پسندیده نباشد. (غزال حکم: ۴۰/۶)

حضرت علی (ع) علاوه بر حدیث فوق می فرماید: شتابزدگی انسان را از رسیدن به مقصد باز می دارد (همان: ۳۲)

رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: تأثی و آرامش از خداست و شتابزدگی از شیطان است. (مجلسی، بی تا: ۱۴۷/۷۷)

حضرت علی(ع) می‌فرماید: پرهیز کنید از عجله و شتابزدگی که پشیمانی به بار می‌آورد (همان: ۷۱/۳۳۸)

عوامل شتاب زدگی:

الف: توجه به تمایلات نفسانی و خواهش‌های درونی

ب: ضعف روحی

ج: محدودیت‌های فکری (وانثی، ۱۳۷۵: ۸۳-۹۶)

د: بی برنامه بودن

مدیر برای موقفيت در کار خود باید از هر گونه کارشتاب زده و بی تامل دوری کند. شتابزدگی باعث پشیمانی در کار و عدم رسیدن به مقصد می‌شود. مدیر در تصییم‌گیری‌های خود باید صبر و حوصله و متانت به خرج دهد تا بتواند موقفيت لازم را کسب نماید.

۸. پاک دستی و حفظ بیت المال

مدیر باید اخلاق اقتصادی اسلامی را رعایت کند و آن را سرلوحه کارخود قراردهد. مدیران اگر پاک دست نباشند در کار مدیریتی خود ضعف‌های خواهند داشت که این ضعف‌ها باعث می‌گردد در کارخود موقفيت بدست نیاورند.

برای حفظ بیت المال و رسیدن به پاک دستی آنچه که یک مدیرب اید در نظر آورده موارد ذیل می‌باشد:

الف: عدالت محوری در امور اقتصادی

ب: ب ارزسی و ناظارت

ج: دقت و صیانت از اموال بیت المال

د: مصرف صحیح اموال بیت المال

ه: حفظ حقوق مردم در بیت المال

ز: چگونگی دریافت مالیات

ح: تقسیم سریع اموال بیت المال

ط: عدم ایجاد رعب و وحشت میان مردم. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

مدیران باید اخلاق پاک‌دستی در درون خود و زیرمجموعه خود تکرار و تمرین نمایند و آن را نهادینه کنند.

مدیر باید خودش و کارمندانش به رعایت این موضوع امر نماید تا پاک دستی یکی از اخلاق‌های حسنی مدیریتی او گردد.

۹. عفو و گذشت

هرانسانی باید صفت اخلاقی عفو و گذشت را در خود نهادینه کند و آن را تمرین کند. عفو و گذشت در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. در سوره الرحمن آیه ۶۰ می‌فرماید: "هُلْ جَرَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا إِحْسَانٌ" آیا پاداش نیکی به غیراز نیکی است.

حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: بر مردم همانند در نهاد ای زیان رسان نباش که خوردن آنان را غنیمت می‌شمارد زیرا آنها دو دسته هستند یا برادردینی تو هستند یا هم نوع تو. آنها خطاهایی خواهند کرد. پس عفو و گذشت خود را شامل حال آنان کن همانطور که دوست داری خداوند عفو و گذشت را شامل حال تو کند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۲۰۱۳/۳)

مدیر باید از خطاهای زیرستان خود بگذرد و عفو و گذشت خود را شامل آنها نماید زیرا آدمی جایز الخطأ است. امام علی (ع) همانطور که دوست داری خدا از خطاهای تو بگذرد، شما هم از خطاهای مردم و زیرستان بگذر و آنها را عفو کن. (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

از چهارصفت بنیادی در علم اخلاق یکی از آنها عفت می‌باشد. اسلام بر عفت در دامن و شکم و چشم تاکیدهای بسیار زیابیدی دارد. قرآن کریم در موارد متعدد مومنین را به عفت در روابط جنسی، کسب مال و ثروت (مسایل اقتصادی) دعوت نموده است.

دسوره نور آیات ۳۰ و ۳۱ می‌فرماید: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضِبُونَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُونَ فَرَوْجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكِيُّ لَهُمْ".

"وقل للمؤمنات يغضبن من ابصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدين زينتهن وتبوا .."

بگو به مردان مومن که چشم های خود را از نامحرم نگه دارند و پاکدامنی کنند که این برای آنها بهتر است. به زنان مومن بگوچشم های خود از نامحرم نگه دارند و پاکدامنی ورزند وزیورهای خود را آشکار نکنند همگی توبه کنید.

در سوره مومنون آیات ۱تا ۷ ویژگی های مومنین را بیان می کند و یکی از آنها را پاکدامنی معرفی می کند و می‌فرماید: "وَالَّذِينَ هُمْ لَفَرِوجَهِمْ حَافِظُونَ"

(مومنین) کسانی هستند که پاکدامن هستند. (از فروج خود محافظت می کنند)
در آیات هم رسول خدا (ص) به پاکدامنی توجه زیادی دارند و مردم را به این موضوع توجه داده اند.
(کلینی، ۱۳۶۵: ۸۰/۲)

مدیر جامعه باید در زمان مدیریت خود عفت پیشه کند. عفتی که مدیر باید مدنظر قرار دهد از چندین بعد می‌باشد:
الف: عفت و پاکدامنی

ب: عفت شکم

ج: عفت اقتصادی

د: عفت از لحاظ امانت داری در بیت المال عمومی

مدیر در مدیریت خود باید از عوامل ایجاد عفت بهره ببرد و آن را به صورت عملی تمرین نماید. عواملی مانند عقل و خرد، خودشناسی، قناعت، غیرت، خداترسی، حفظ آبروی مومنین شامل می‌گردد.

۱۱. دوری از غصب

مدیر باید از خشم و غصب بر زیرستان خود دوری نماید. زیرا خشم و غصب همانند آتشی است که اگر با حلم و برباری خاموش نگردد، مدیر که صاحب خشم است و دیگران که تابع او هستند را نابود می‌کند و می‌سوزاند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۵)

حضرت علی(ع) می‌فرماید: بدترین دشمن انسان غصب و شهوت است کسی که براین دو سلطه یابد درجه‌اش بالا می‌رود و به بالاترین مرتبه می‌رسد (همان: ۳۰۴) از شگردهای اخلاق مدیریت این است که با صبر و حوصله کافی و دوری از غصب با آرامش کارها را انجام دهیم نه اینکه با عصبانیت و غصب و خشم کار انجام دهیم. غصب و خشک آثار منفی دارد:

الف: نابودی ایمان

ب: نابودی عقل

ج: نابودی ادب و معرفت

د: آشکاری عیب‌های آدمی

ه: روشن نمودن کینه‌های خفته

و: ایجاد ناراحتی و فشار روانی

ز: ذیت و آزار جسمی خود و دیگران

۱۲. پرهیز از طمع و حرص

هر انسانی باید طمع و حرص را از خود دور کند. حرص و طمع از رذائل اخلاقی است که مدیران باید از اخلاق مدیریت خود دور کنند. زیرا حرص و طمع فرد را به بیراهه و منجلاب گرفتاری‌ها می‌کشاند و او را خوار می‌نماید (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۲/۵)

حضرت علی(ع) حرص و طمع را نابود کننده، زشت ترین صفت، بدترین چیزی شمارد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۲)

مدیر در مدیریت خود اگر به حرص و طمع گرفتارشد، به اعمال خفت بار وزشت دزدی، حیف و میل اموال عمومی، ظلم، رشوی گیری و ... دچار می شود و نمی تواند به اخلاق مدیریت توجه داشته باشد.

طبع آثاری دارد:

الف: بی تقوایی

ب: ذلت دنیوی و اخروی

ج: خفت و خواری

د: ظلم و ستم به دیگران

ه: دست درازی به اموال عمومی

۱۳. پرهیز از حسادت

مدیر جامعه باید رذیلت اخلاقی حسادت را از خود دور کند. حسادت هرفردی را نابود می کند و به انحراف می برد. مدیران که در رقابت هستند بیشتر از حسادت لطمہ می بینند. حسادت ریشه در حقارت و کوچک بینی خود دارد. فرد هرچه حقیرتر باشد بیشتر حسادت می ورزد.

حضرت علی (ع) حسادت را رأس همه عیب ها می داند. (همان: ۲۹۹)

حسادت به این معنی است که ما اگر صفت یا ویژگی خودمان نداریم می خواهیم که دیگری هم آن را نداشته باشد. حسادت با غبطه تفاوت دارد زیرا غبطه آن است اگر فردی صفتی دارد ما علاقمند هستیم که مثل او آن ویژگی را داشته بشایم و خواهان نداشتن او برای دیگری نیستیم. (زراقی، ۱۳۵۱: ۲۲۶)

۱۴. نداشتن تکبروغرور

خداآنده انسان ها را از یک سرش آفریده است و همه آنها از یک زن و مرد (آدم و حوا) خلق شده اند و کسی برکسی برتری ندارد مگر به تقدیم و میزان نزدیکی آنها به خدا و قرب الهی. "ان اکرمکم عنده الله انتا کم"

همانا گرامی ترین شما نزد خدا با تقدیم شماست.

پس کسی برکسی برتری ندارد و تکبروغرور مفهوم و معنی در روابط انسانی ندارد. همه باید از صفات ناپسند تکبیر و غرور دوری کنند. زیرا این صفت در قرآن بسیار مذموم است. عامل سقوط شیطان تکبروغرور او در برابر خداوند و طغیانگری بود.

در سوره بقره آیه ۳۴ می فرماید: "وَأَذْلَلْنَا لِلملائِكَةِ اسْجَدُوا لِاَدَمْ فَسَجَدُوا لَا اَبْلِيسَ اَبِي وَاسْتَكْبَرُوْكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ"

چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس همه سجده کردند مگر الیس که تکبر ورزید و از کافران شد.

در قرآن آیات متعددی مانند ۵۷ و ۷۶ اعراف، ۷۵ یونس و ۲۳ نحل در نکوهش تکبروغرور می‌باشد. حضرت محمد (ص) می‌فرماید: سه گروه هستند که خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنها نگاه نمی‌کند و آنها را از گناهان پاک نمی‌کند و برای آنان عذابی در دنیا است، پیروزناکار، حاکم ستمگر و فقیر متکبر. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۱۱/۲)

مدیر اگر اخلاق مدیریت رعایت کند باید تکبروغرور را از خود دور نماید تا مردم از اطراف او پراکنده نگردد زیر دستانش با او همراهی نمایند. تکبرداری آثار سیار منفی به شرح ذیل است:

الف: نشانه حماقت

ب: دام شیطان

ج: دوری از خدا و انبیاء

ه: لجاجت در برابر رهبران الهی

و: خوار کردن بزرگان

ز: عذاب اخروی جاویدان. (دلیلمی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۸)

۱۵. کترول هوای نفس

انسان‌ها باید اسیر هوای نفس گردند. خداوند درون انسان عقل و نفس قرارداده است. همیشه این دو باهم در رقابت و درگیری هستند. اگر جانب نفس بگیریم به سمت هوای نفس خواهیم رفت و انحرافات به دنبال دارد ولی اگر جانب عقل را بگیریم به انحراف نخواهیم رفت. (اسد علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۲/۲)

خداوند به رسول اکرم (ص) به عنوان مدیر برتر خود امر می‌کند که از هوای نفس پیروی نکن. در سوره مائدہ آیه ۴۹ می‌فرماید: "وَانِ حُكْمٍ بِيَنْهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا يَنْتَعِي اهْوَاءَهُمْ"

میان مردم بر اساس آنچه خداوند فروفرستاده است داوری کن و از هوای نفسی آنان پیروی نکن. کترول و پیروی نکردن از هوای نفس به همه پیامبران الهی (مدیران برتر) توسط خداوند یادآوری شده است در سوره صاد آیه ۲۶ به حضرت داود دستور می‌دهد که پیرو هوای نفس نباش.

مدیران باید به این امر به خوبی توجه کنند که پیروی از هوای نفس آنان را از کمال به حضیض انحطاط می‌کشاند و باعث سقوط آنها به فلاکت و دوری از خدا می‌کشانند. همانطور که در قرآن آیه ۱۷۶ سوره اعراف به داستان بلعم باعورا اشاره می‌کند که به دلیل پیروی از هوای نفس سقوط کرد.

مدیر باید از پیروی هواي نفس دوری کند زیرا عواقب بسیار زیادی برای او دارد و یاعث گمراهی او، خواری و رسایی، ایجاد سختی‌ها و مشکلات، ضعف اراده واژین رفتن این فرد او می‌گردد. حضرت علی (ع) هواي نفس را بزرگترین دشمن و نابود‌کننده انسان معرفی می‌کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۰۳)

۱۶. کنترل زبان

زبان انسان از اعضای بدن است که با وجود کوچکی آن ولی میدان عمل گستره ای دارد و زبان می‌تواند با چرخش خود جان فردی را نجات دهد یا او را به کام مرگ بکشاند. خداوند از انسان می‌خواهد که کنترل زبان خود را داشته باشدند و در این مورد اسیرو و سوسه های شیطان نگردن.

مدیر باید در مدیریت کنترل زبان خود داشته باشدواگرچنین نکند بنابر فرمایش حضرت علی (ع) زبان باعث بی راهه رفتن صاحب آن می‌شود. (همان: ۱۳۲)

زبان گناهانی برای فرد به دنبال دارد که هر کدام از آنها خود می‌تواند فتنه ای بزرگ ایجاد کند. خداوند در سوره حجرات آیات ۱۱ و ۱۲ به آنها اشاره دارد:

الف: غیبت کردن

ب: چاپلوسی

ج: مسخره کردن دیگران

د: افشاگری اسرار مردم

ه: تهمت زدن

و: ظلم و حق کشی از دیگران

ز: دادن لقب زشت به مردم

ح: عیجوبی و سخن چینی از دیگران

ط: فحاشی

نتیجه گیری:

اخلاق در هر کار و حرفة ای تاثیرگذار است که مربوط به آن حرفة و کارمی باشد که اخلاق کاربردی نامیده می‌شود. مدیریت به عنوان یک حرفة مهم دارای اخلاق مخصوص به خود است که به آن اخلاق مدیریت می‌گویند.

مدیر علاوه بر تخصص های مدیریتی باید اخلاق مدیریت را در کار خود رعایت کند تا بتواند موفقیت لازم به دست آورد. اخلاق مدیریت شامل مجموعه رفتارها و عملکردها و صفاتی است که یک مدیر باید به آنها متصف و متخلق باشد مانند تقوای ایمان الهی، الگو گیری از پیامبران، پاک دستی در امور اقتصادی و مالی

عدم پیروی از هوای نفس، پرهیز از غصب و خشم، داشتن سعه صدر، نداشتن تکبر و غرور، کنترل زبان، پرهیز از حسادت.

مدیران اگر اخلاق مدیریت را رعایت نکنند نیمه پنهان مدیریت را به فضیلت نرسانده اند. زیرا نیمه پنهان مدیریت اخلاق حرفه‌ای (کاربردی) مدیریت است که به مدیربرای رسیدن به موفقیت کمک می‌نماید.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابراهیمیان آملی، سید یوسف (۱۳۸۰) الگوی آسمانی (رفتار علوی) انتشارات اطلاعات، تهران.
- اسد علیزاده، اکبر (۱۳۸۲) اندیشه‌های جاوید، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، قم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غرر الحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- داودی، محمد (۱۳۸۸) اخلاق اسلامی، انتشارات معارف، قم.
- دیلمی، آذربایجانی، احمد، مسعود (۱۳۸۵) اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، قم.
- سرمدی، محمدرضا (۱۳۸۸) مدیریت اسلامی، انتشارات پیام نور، تهران.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱) آئین زندگی (اخلاق کاربردی) نشر معارف، قم.
- شیخ موحد، علی (۱۳۸۰) اهداف و وظایف اصولی حکومت اسلامی، انتشارات سلسله، قم
- علی احمدی، علی رضا، حسین، (۱۳۸۶) مبانی و اصول مدیریت اسلامی، انتشارات تولید دانش، تهران.
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۸۱) اصول مدیریت اسلامی، مدیریت فدا، تهران.
- فیض اسلام (بی‌تا) نهج البلاغه، دارالهجره، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵) اصول کافی، دارالكتب الاسلامیه، تهران.
- گروه مولفان (۱۳۸۴) جلوه‌های خدام‌حوری در زندگی انسان، تحقیقات حوزه ولی فقیه در جهاد کشاورزی، قم.
- مجلسی، محمد باقر (بی‌تا) بحار الانوار، دارالاحیاء التراث الاسلامیه، بیروت، لبنان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۰) میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، قم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰) پیش نیازهای مدیریت اسلامی، شرموسسه امام خمینی (ره)، قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) عدل الهی، انتشارات صدرا، قم.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا) مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۴-۱)، بی‌جا، انتشارات اسلامی، قم.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۵۱) معراج السعاده، انتشارات علمی، تهران.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۵) اصول مدیریت اسلامی والگوهای آن، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران.
- واثقی، قاسم (۱۳۷۵) اخلاق مدیریت، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم.